

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۱۶ اکتوبر ۲۰۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

مجاهد لقب دایمی نیست !

۱

دین مقدس اسلام به مثابه آخرین دین آسمانی و ابراهیمی برای خدمت، صلاح و فلاح دارین بشریت است. تمام احکام و قوانین این دین با عظمت، در راستای رشد، ترقی، تعالی، سعادت و تکامل انسان وضع گردیده است. فهم این همه ابعاد قضیه برای بعضی از ما در ظاهر امر هم با کمی تعمق واضح و بقیه را در پهلوی جانب ضمنی و منطق ظاهر قضیه و مسأله، به خاطر منبع دینی یعنی نصوص و هدایات شرعی آن اساس پنداشته، آن را به مانند هر مسلمان دیگری هدایت شرع و اصول قرآنی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم قبول می داریم.

جهاد کلمه عربی است که در لغت از کلمه (جهد) به فتحه یا ضمه جیم به معنی قدرت، مشقت و سختی است .
و اجتهاد، به معنای نهایت سعی برای چیزی به دست آوردن .

اما در اصطلاح دین و شریعت غرای محمدی از جهاد دو نوع تعبیر به عمل آمده است:

الف: تعبیر خاص که منظور آن به کار گرفتن نهایت سعی و تلاش در قتال و جنگ با کفار و طاغیان برای هدف مشروع است.

ب: تعبیر عام از جهاد همان تعریف است که: عالم شهیر جهان اسلام شیخ ابن تیمیه رحمه الله در مورد بیان فرموده است: « جهاد ، حقیقت سعی و تلاش در به دست آوردن آنچه الله (ج) آن را دوست می دارد از باورها و کردارهای نیک و دفع آنچه الله (ج) بر آن خشم می گیرد مثل کفر ، فساد و طغیان. » (کتاب مجموع الفتاوی ۱۰/۱۹۱)
با این تعریف هر آنچه که مؤمن در به دست آوردن آن در راه ایمان به الله (ج) و فرمانبری او تلاش نماید مثل مقاومت در برابر شر و بدیها و انحرافات، ثابت قدم ماندن در دین الله (ج)، استقامت در مقابل وسوسه های شیطان، از جمله جهاد در راه الله محسوب می شود.

قابل تذکر است: که دفاع یا قتال، آخرین وسیله ای است، برای بقاء و وقتی مسلمان بدان حق توسل دارد و یا از آن متوقف می شود که راه های دیگری به رسیدن به آن، به نتیجه نرسد.

اصولاً جهاد یکی از نشانه های موجود زنده و يك قانون عمومی در عالم حیات است. نباید فراموش کرد که تمام موجودات زنده برای بقای خود با عوامل نابودی خود در حال مبارزه و جهاد اند. سعی و تلاش دارند، موانع را از سر راه خود بردارند تا بتوانند به کمالات مطلوب یعنی امر خیر و تحقق امر الهی برسند.

از آن جا نیکه هدف از آفرینش انسان، نیل او به کمال واقعی است، تشریع جهاد در اسلام، برای رفع موانع از مسیر حرکت مثبت تکاملی انسان متعهد و مسلمان يك امری لازم و ضروری است؛ بنا بر این، وجود قانون جهاد و به کار گیری آن مطابق به شرع غرای محمدی صلی الله علیه وسلم با اهداف عالیه که دارد، نه تنها مایه تعجب نیست بلکه از افتخارات در دین مقدس اسلام می باشد.

از جانب دیگر گفته می توانیم که جهاد، هدف آفرینش انسان است. لذا در روی زمین، امری مهمتر از جهاد نیست؛ زیرا اگر چنین نبود، خداوند پیامبرانش را با این وظیفه مبعوث نمی کرد. اگر تاریخ انبیاء را از حضرت آدم علیه السلام گرفته و تا آخرین پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم مطالعه نمائیم با وضاحت در خواهیم یافت، که با مجاهدت به خصوص در مجاهدت با نفس به درجه عالی برگزیدگی رسیدند.

جهاد در راه الله (ج) از بهترین راههای تَقَرُّب به اوتعالی است و از بزرگترین عبادات می باشد. حتی می توان گفت که جهاد بعد از فرایض از برترین اعمالی است که می توان در آن رقابت کرد و بر دیگران پیشی گرفت.. درین شک و تردید نداریم و نیست که شخص عالم بر جاهل، شخص پرهیزگار بر فاسق و انسان عادی، شخص رهرو راه حق و الهی بر فاسق و فاجر و شخص مجاهد بر شخص غیر مجاهد برتری دارد و این هدایت شرع و حکم قرآنی.

بلی جهاد زمانی معنا پیدا می کند که در جهت یاری کردن مؤمنان، اعتلای کلمه اسلام، سرکوب کردن متجاوزان و منافقان، ظالمان، هموار کردن راه دعوت اسلامی در بین مسلمانان، راهنمایی کردن بندگان الله (ج) از تاریکی ها به سوی نور، نشر محاسن اسلام و احکام عادلانه اش در میان مردم و همچنین دیگر مصالح و نتایج مفید برای مسلمانان و خدا پرستان باشد.

توصیف جهاد به نفس خویش و متصف کردن نفس به اصطلاح مجاهد را نمی توان بحیث یک صفت عمری و یک لقب دایمی برای خود مورد استعمال و استفاده قرار داد.

جهاد که عمل شرعی است مانند روزه، نماز، حج، زکات و غیره می باشد.. جهاد چنین عملی است که به شرایط زمانی ارتباط دارد، گاهی بنابر ضرورت زمان، جهاد بالای هر مسلمان فرض عین می گردد، این بدین معنی است که با جهاد رفتن سایر مجاهدین به جهاد این فریضه از وی ساقط نمی گردد.

در ضمن قابل یاد آوری و تذکر هم است که: جهاد بر تمامی مسلمانان فرض عین نمی شود، این چیز محالی است، خدای متعال می فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ» (سوره توبه ۱۲۲). شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند) و در ادامه الله متعال حکمت آن را چنین بیان کرده: «لِيَتَفَقَّهُوا»؛ یعنی گروهی در مدینه بمانند تا (در دین و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند): «قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ» «و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند» زیرا اگر تمام آنها به جهاد بروند، در آن صورت بقیه شرایع و شعائر دین تعطیل خواهد شد.

شرایط فرضیت جهاد:

جهاد بنابر شرایط ذیل بالای مسلمانان به حیث فرض عین می باشد که:

اول: هرگاه شخصی در میدان و صف جهاد حضور و قرار یابد، در آنصورت برای وی جایز نیست که میدان جهاد و جبهه را ترک کند، به دلیل حکم پروردگاری که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَنْبَارَ * وَمَنْ يُولَهُمْ يَوْمِئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (سوره انفال ۱۵-۱۶).

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه‌رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمائید) و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آن که هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد. (چنین کسی) به غضب الله (ج) گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است».

دوم: هرگاه دشمن شهر و وطنش را محاصره کرده باشند، در اینحالت بر او واجب است که برای دفاع جنگ کند، زیرا شخصی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: ای رسول الله (ج): اگر کسی بخواهد مالم را بگیرد چکار کنم؟ فرمود: «لَا تُعْطِهِ مَالَكَ» مالت را به وی مده (و از آن دفاع کن).

مرد پرسید: اگر خواست مرا بکشد چی؟
فرمود: «قَاتِلْهُ» با وی بجنگ، مرد گفت: اگر او مرا کشت چی؟ فرمود: «فَأَنْتَ شَهِيدٌ» پس در آنصورت تو شهید هستی.

مرد گفت: اگر من او را کشتم چی؟ فرمود: «هُوَ فِي النَّارِ» او در جهنم خواهد رفت». به روایت مسلم (۱۴۰).
این مسلمانی است که هرگاه بخواهد مالم را بگیرد و من وی را بکشم باز او در جهنم است، و این حال مسلمان (متجاوزگر است) پس اگر کافر باشد چه حالی خواهد داشت؟!

سوم: هرگاه ولی امر مسلمانان از او بخواهد بیرون رود، یعنی از وی بخواهد که برای جهاد برود، در اینحالت نیز جهاد فرض عین است، به دلیل فرموده باری تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (سوره توبه ۳۸).
یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می‌کنید (و سستی به خرج می‌دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با این که متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست».

چهارم: هرگاه آن شخص دارای تخصص و مهارتی باشد که کسی جز او بدان خبره نباشد و (مجاهدان در میدان جهاد به تخصص و مهارت او) نیاز و ضرورت داشته باشند، در اینحالت جهاد (بر وی) فرض عین می شود، مثلاً شخصی به کارگیری و استفاده از آلات جنگی را بلد باشد و غیر او کسی نباشد که توانائی اش کافی باشد، در اینحالت فرض عین می شود.

در غیر این حالات چهارگانه که مؤجزاً در فوق بدان اشاره به عمل آوردیم، اصل جهاد بالای مسلمانان فرض کفائی بوده، یعنی اگر عده ای به جهاد بروند و جواب آن از دوش سایر مسلمانان ساقط می گردد.
ولی مطابق قانون شرعی انجام واجبی هم مشروط به توانائی و قدرت است، و دلیل آن در قرآن عظیم الشأن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین بیان یافته است:
در قرآن عظیم الشأن با یک فهم عالی و زیبایی می فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (سوره بقره ۲۸۶) یعنی: (خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند).

وباز می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (سوره تغابن ۱۶). یعنی: (پس آن قدر که در توان دارید از خدا بهراسید و پرهیزگاری کنید).

ومی فرماید: «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (سوره حج ۷۸). یعنی: «خداوند در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است».

طوری که دیده شده در امر جهاد برخی از اوقات حرج و دشواری هست، حال آن که حرج و دشواری در شریعت برداشته شده است، اگر قدرت و توانائی برای جهاد وجود داشته باشد در آنصورت به اذن الله عزوجل سهل و آسان است، و اگر توانائی بر جهاد نباشد در آنصورت همان حرج و دشواری است که شریعت آن را (از دوش امت) برداشته است.

همچنان در احادیث متبرکه آمده است: «إِذَا أَمَرْتُمْ بِأَمْرِ فَاتُّوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ» بخاری (۶۷۴). یعنی: (هرگاه شما را به چیزی امر کردم آن را در حد توانتان انجام دهید).

حکم این حدیث عام است یعنی در هر امری که باشد؛ زیرا این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «بِأَمْرِ» نکره در سیاق شرط است و این فایده عمومیت می رساند.

و اما دلیل از واقع؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه بود و مردم را به توحید الله عزوجل دعوت می کرد و به سوی نماز، و این امر تا سیزده سال باقی ماند، و با جود شدت اذیت و آزاری که بر ایشان علیه الصلاة والسلام و پیروانش بود اما به جهاد امر داده نشد. صحیح بخاری (۳۵۰).

و به قتال امر داده نشد، زیرا آنها توانائی (کافی) نداشتند، و الله عزوجل قتال را تا زمانی که امت اسلامی دارای دولت و قدرت نشد واجب نکرد، الله متعال فرمود: «أَنَّ لِلدِّينِ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (سوره حج ۳۹). یعنی: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا به یاری آنها تواناست».

بر مسلمانان واجب است آنچه را که الله عزوجل امر کرده انجام دهند، او تعالی می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره انفال ۶۰). یعنی: «برای مبارزه با دشمنان تا آنجا که می توانید نیروی (مادی و معنوی) آماده سازید».

انواع جهاد:

طوری که در فوق هم یاد آور شدیم، جهاد مصدر دوم باب مفاعله است و به معنای مجاهده از کلمه جهد می باشد. و آن به معنای مصرف نمودن تمام توانائی انسان در انجام کاری است که انسان بعد از آن دچار خستگی شود و به رنج بیفتد (چون همه توانش را صرف کرده است).

مجاهده به این معنی است که انسان در مقابله با نیروی دیگری همه توان خود را صرف کند، طوری که دیگر خسته شود. این نیروی مقابل، ابلیس و هوای نفس است بر این اساس مجاهده تمام مظاهر عبودیت را شامل می شود. تعاریفی که علمای اسلام مطابق نصوص شرعی از جهاد به عمل آورده اند، تعبیرها و برداشت های علمی خویش را در این باب به شکل ذیل چنین فورمول بندی نموده اند:

- جهاد بانفس :

علماء می گویند که جهاد يك توازن میان فتح درونی و فتح بیرونی است. در آن، هم نایل شدن و هم نایل گردانیدن مطرح بحث است.

نایل گشتن انسان به اصالت خویش، جهاد اکبر، و نایل گردانیدن دیگران به این اصالت جهاد اصغر است. وقتی یکی از آن دو، از دیگری جدا شود، مفهوم جهاد، عملاً منتفی می‌گردد. از اکتفاء به یکی از آنها ذلت و بیچارگی و دیگری خشونت و انارشی به وجود می‌آید. پس چقدر خوشبخت‌اند کسانی که در جست و جوی اسباب نجات دیگران اند؛ همان طوری که برای نجات خودشان، آن را جست و جو می‌کنند و چقدر خوشبخت‌اند کسانی که در میدان عمل برای نجات دیگران، خود را فراموش نمی‌کنند.

علماء می‌گویند که جهاد در راه خدا، در دو جبهه صورت می‌گیرد: اولین جبهه همان جبهه درونی نفس است، وجبهه دومی آن جبهه عالم خارج است.

درفهم کلی جهاد با نفس و ایستادن در برابر خواسته های نفسانی و تمایلات درونی انسان برای غوطه ور شدن در اعماق شهوت‌های حرام می‌باشد، طوری که پروردگار با عظمت ما در (در آیت ۶۹ سوره عنکبوت) می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (کسانی که در راه ما تلاش و جهاد نمایند، آنان را به راه‌های خود رهنمود می‌کنیم).

و همچنین از جمله جهاد با نفس: بخشیدن مال و خرج نمودن در راه‌های خیر به طور عام و بخشش برای جهاد فی سبیل الله به طور خاص می‌باشد. الله سبحانه در آیت ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (هر آنچه در راه الله صرف نمایند) پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچگونه ستمی نمی‌بینید).

خواننده محترم!

جهاد اصغر (کوچک) جهادی نیست که تنها در جبهات جنگ به جا آورده شود. زیرا این برداشت، به معنای تنگ ساختن گستره‌ی جهاد است. میدان جهاد چنان وسیع و پهناور است که پهنای آن از شرق تا غرب امتداد یافته است. گاهی یک کلمه، گاهی یک سکوت، گاهی صرف یک ترش روئی، گاهی یک تبسم، گاهی ترک یک مجلس، گاهی پیوستن در یک مجلس، و خلاصه انجام دادن هر کاری به خاطر خدا و به کار بردن محبت و بغض در راه کسب رضای الهی، شامل مفهوم جهاد می‌شود.

از این جنبه هر تلاشی که مسلمان به خاطر اصلاح جامعه در هر ساحة زندگی، در هر مقطعی از جامعه انجام می‌پذیرد، در جمله همین جهاد محسوب می‌شود.

به این معنا که تمام آنچه در فضای خانواده و خویشاوندان نزدیک و دور و همسایه و رفیق انجام می‌گیرد، همه از جمله جهاد اصغر می‌باشد. و این همچون دایره‌های متداخلی است که به گستردگی زمین وسعت دارد.

- جهاد در برابر شیطان:

شیطان دشمن خطرناکی برای انسان است، شیطان همیشه در کمین انسان است، همه راه‌ها را برای گمراهی آن برای اغواء و میل کردن آن به سوی حرام به راه می‌اندازد، بناء مقاومت در برابر مکرهای شیطان و مبارزه در برابر وسوسه شیطان، نوعی از جهاد محسوب می‌شود.

ادامه دارد